

# شرق در ادبیات قرون هفدهم و هجدهم فرانسه

## مناسبات تجاری، استعماری و سیاسی

(۴)

### پیر مارتینو

— روابط و مراودات تجاری و شرق : سهمی که بازرگانان در نضج ذوق غرب‌شناسی دارند ، کمپانی‌های تجاری : تبلیغ بر له شرق ، تبلیغات از راه روزنامه و غیره برای ایجاد بازار تقاضا و جلب مشتری .

کشتی‌هایی که با کالاهای شرقی از هند و ایران و ترکیه و چین می‌آمدند ، نه تنها موجب ثروتمندی بازرگانان می‌شدند ، بلکه کنجکاوی و توجه مردم را به نحوی سودمند نسبت به شرق زنده نگاه می‌داشتند . البته این ذوق و علاقه در قرن هفدهم هنوز با عشق شیفتگی جذبه‌آمیزی که شرق در عصر لویی پانزدهم برخواهد انگیزت و به صورت رسم روز درخواهد آمد ، تفاوت بسیار دارد و در واقع هنوز تعداد بسیار اندکی از تالارها با تجیر (پاراوان) های لاژاندود چینی تزئین شده‌اند ، و به ندرت چند بت‌خانه یا معبد چینی روی سربخاری خانه‌های ممتاز می‌توان دید و دولتمندان نیز تحریرهای چینی را چون چیزهای عجیب به هم نشان می‌دهند ؛ اما منسوجات ابریشمین ، ادویه ، « اشیاء نادر و شگرف شرق (Levant) » جعبه‌های لاژاندود ، چای و ظروف چینی و غیره رایج می‌شود و بازار نسبتاً گرمی پیدا می‌کند . سال به سال تجارت محصولات ناشناخته توسعه و رونق بیشتر می‌یابد . البته سود این کار هنوز بسیار نیست ، اما وقتی که خرید محصولات شرقی باب روز شد ، کلان خواهد شد .

معهدنا بزرگترین خدمتی که بازرگانان به شرق‌شناسی کرده‌اند ، از راه فروش کالاها و فرآورده‌های شرقی نیست ، بلکه در اینست که کوشیده‌اند و گاه توانسته‌اند با شرق رابطه و تماس مستقیم برقرار کنند . ازین قبیل است فرستادن کشتی‌های بازرگانی به هند در سال ۱۶۳۵ هنگامیکه هنوز کسی هند را نمی‌شناخت و یا در سال ۱۶۹۸ به چین وقتی که این سرزمین هنوز مورد توجه نبود .

این ابتکارات پراکنده سرانجام به ایجاد یک نهضت واقعی تجاری انجامید . کمپانی‌های بزرگ تجاری که در آخرین ثلث قرن هفدهم و در آغاز قرن هجدهم با توفیق‌ها و کامیابی‌های متفاوت فعالیت می‌کردند ، در توسعه و پیشرفت ذوق شرق‌شناسی عامه مردم بی‌گزار تأثیری عظیم داشته‌اند . بنیان نهادن این کمپانی‌ها مستلزم جلب علاقه و نظر سرمایه‌گذارانی به عنوان شرکا بود . برای حصول این مقصود از نیروی نوپای مطبوعات به نفع آسیا سود بردند . در سراسر فرانسه نامه‌ها و جزوه‌های خبری پخش و نشر کردند و بدینگونه از دور افتاده‌ترین ایالات نیز سرمایه‌گرد آوردند . پس از آنکه سرمایه فراهم آمد و نمایندگی‌های

تجارتی ملی در ممالک خارجه بنیان یافت ، مردم را با خرسندی و رضایت خاطر که از ثمره نخستین اقدام و زحمت خویش داشتند ، رها نکردند ، بلکه به مدد سفرنامه‌ها و گزارشات و مطالعات هر چند گاه توجه‌شانرا زنده نگاه داشتند . اما با وجود اینکه بازرگانان در جلب توجه و علاقمندی فرانسویان به شرق و توسعه آن مؤثر بوده‌اند ، خود دقیقاً چیزی قابل ملاحظه‌ای بر نظریه متداول و معمول درباره شرق نیفزودند و البته قضاوت‌های آنان نیز بی‌طرفانه نبوده است ، چون به سود تجاری خویش دلمشغول بوده‌اند ، و بدینگونه به اقتضای سهولت مبادلات تجاری و خاصه سود بسیار یا اندکی از تجارت و دادوستد با شرقیان می‌بردند ، آنانرا مردمی نیک و یا حرامی می‌خواندند .

— مناسبات استعماری ، تأثیر سیاست استعماری فرانسه بر شناسایی هند و نقش آن در ادبیات ، علاقه قرن هجدهم به مستعمرات .

کوشش‌های تجاری فرانسویان به ایجاد نهضت عظیم استعمارطلبی که بیش از یک قرن به درازا کشید ، انجامید . این نهضت خاصه متمایل و ناظر به هند بود . درست هنگامی که قدرت ناپایدار استعماری فرانسویان استقرار یافت ، هند پا به صحنه ادبیات نهاد و این رابطه پر معنی اگر از مقوله رابطه میان علت و معلول نباشد ، البته شگفت‌انگیز خواهد نمود . تا آن زمان می‌توان گفت که هند در ادبیات مطلقاً جلوه‌گر شده بود ، حال آنکه سفرهای متعدد به هند موجبات شناخت آنرا فراهم آورده بودند و مردم از سرگذشت سلاطین و آداب و رسوم ساکنان هند بی‌خبر نبودند . با اینهمه ناگهان از ۱۷۳۰ به بعد موضوعات «هندی» در ادبیات رایج و شایع می‌شوند (در حدود ۱۵ رمان و قریب به ۲۰ نمایشنامه تأثر انتشار می‌یابد) و این آثار خاصه در حدود ۱۷۵۵ یعنی دورانی که تسلط فرانسه ظاهراً به اوج خود رسیده است انتشار می‌یابند . بی‌گمان این امر را چنین توجیه باید کرد که سیاست استعمارطلبی که در آن زمان در آسیای دور افتاده پی‌گیر می‌شد ، روح بسیاری را افسون کرده بود و آثار ادبی یاد شده ترجمان این احساس نوین هستند ، و پراشتباه نکرده‌ایم اگر چنین نتیجه‌گیری کنیم که قطعاً نه کشف هند بلکه عمومیت یافتن و ورود آن به قلمرو سنت ادبی را مدیون توسعه سیاست استعمارطلبی فرانسه در قرن هجدهم هستیم . این ملاحظه دارای اهمیت بسیار است چون دانش شرق‌شناسی خاصه از مطالعات مربوط به هند و آداب و رسوم و مذهب آن زاده خواهد شد . امروزه علم آنکتیل دوپرون (Anquetil du Perron) و کشفیات شامپولین (Champollion) تنها نتیجه واقعی پیکارهای Duplex یا حمله به مصر بنظر می‌رسند !

— وقایع سیاسی تاریخ آسیا و انعکاس آنها در ادبیات .

شرح حوادث سیاسی و نظامی‌ای که در قرون هفدهم و هجدهم تاریخ عثمانی و ایران و هند را انباشته‌اند ، منبعی پر خیر و برکت برای شناسایی آسیا بود و این رویدادها در نظر فرنگیان تقریباً چون حماسه‌ای زنده و افسانه‌ای حقیقی می‌نمود . تعجب نباید کرد که خاصه عثمانی مورد توجه قرار گرفت . این کشور چنان با سیاست اروپائیان تألیف و پیوند یافته بود که شناخت اقدامات نظامی و فعالیت‌های دیپلماسی آن ضرورتی به شمار می‌رفت . ازین گذشته از نیمه قرن هفدهم تا پایان قرن هجدهم چنین می‌نمود که باب عالی کوشش بسیار ، نخست برای گسترش دامنه نفوذ و قدرت خویش و سپس برای حفظ تمامیت ارضیش که در معرض خطر بود ، می‌کند . همه این امور بر ادبیات اثر نهاد و خاصه توجه مردم را به ترکان جلب

کرد، بویژه که در مذاکراتی که به دنبال جنگ‌ها و منازعات عثمانیان با دیگر دول پیش می‌آمد، فرانسه غالباً نقش میانجی را داشت. به عنوان مثال فرانسه در حدود ۱۶۶۵ مستقیماً در مناقشه میان اطریش و ترکیه عثمانی دخالت کرد و حاصل این کار طبیعتاً مذاکرات مداوم‌تری بود که میان سفرای لویی چهاردهم و وزیرای سلطان بعمل آمد. طی ۱۵ یا ۲۰ سالی که ازین واقعه گذشت، تعداد تألیفات تاریخی مربوط به امور ترکان لاقلاً به چهار برابر تعداد پیش از آن افزایش می‌یابد. در حدود ده رمان و داستان کوتاه با مایه‌های ترکی به چاپ می‌رسد، حال آنکه در بقیه همان قرن بیش از ۴ یا ۵ رمان «ترکی» انتشار نخواهد یافت. در این دوران است که *Le Bourgeois Gentilhomme* با مناسک و تشریفات ترکی که در آن وصف شده و تراژدی *Bajazet* انتشار می‌یابد. عین همین تقارن را منتهی به صورتی نمایان‌تر، به هنگام برگزاری کنگره بلگراد (۱۷۴۰) و پادرمیانی فرانسه که منجر به ختم مناقشه ترکیها با روسها می‌شود، ملاحظه می‌توان کرد. در این دوران نیز تعداد مؤلفات تاریخی ناگهان به سه برابر تعداد پیشین از آن افزایش می‌یابد و شماره رمان‌ها و نمایشنامه‌های تئاتر لاقلاً به دو مقابل تعداد قبلی بالغ می‌شود، چنانکه گویی موضوع‌های ترکی صحنه ادبیات را تسخیر کرده‌اند.

در مورد ایران باید گفت که سفرنامه‌های شاردن و تاورنیه آنرا از گمنامی بدرآورده و تا اندازه‌ای شناسانده و سفارت سال ۱۷۱۵ و نامه‌های ایرانی مونتسکیو نیز به ایران درخشش قابل توجهی داده بودند، اما پانزده سال بعد قیام نادر طهماسب قلی‌خان و به سلطنت رسیدنش، ایران را به تمام و کمال مشهور و زیاتر از خاص وعام کرد. فرانسویان در دوران حیات نادر نیز از سرگذشتش آگاهی داشتند و با مطالعه کتب متعددی که درباره او نگارش و نشر یافته بود (نادر به سال ۱۷۴۷ درگذشت. تا آن زمان در حدود ۱۵ تألیف در باره او انتشار یافته بود) می‌دانستند که وی «در جنگاوری به پای نامدارترین جهانگشایان می‌رسد و به اندازه بزرگترین شاهان که بر تخت شاهی زاده شده‌اند، حکومت راندن و سلطنت کردن می‌داند» (*Histoire de Thamas Kouli Kan, Paris, 1741*) و چون نادر به قتل رسید، چگونگی قتل او را به شرح روایت کردند و او را با اسکندر کبیر قیاس کرده برابر دانستند (*Parallèle entre Alexandre le Grand et Thamas Kouli Kan, 1752*) و از سرگذشتش تراژدی منظومی ساختند (*La Mort de Nadir ou Thamas Kouli Kan, 1752*). در این زمان ناگهان موضوع‌های ایرانی در تئاتر، رمان و هجوتنامه‌ها دیگر بار پدیدار شده، مورد عنایت قرار گرفت. به عنوان مثال:

Mirza - Nadir, 1749

L'Illustre Païsan, 1754.

Mauger, Cosroès, tragédie, 1752.

به علاوه باید چاپ‌های متعدد نامه‌های ایرانی و نیز انتشار کتاب:

Mémoires secrets pour servir à l'histoire de Perse (1745).

را که چندین بار به چاپ رسید ذکر کرد. این رسم آنقدر دوام آورد که بیست سال بعد نیز تاریخ زندگانی نادر و ده سال پس از آن تراژدی‌ای درباره مرگش پرداخته و منتشر شد:

Histoire de Nadir Chah, traduit du persan, 1770.

Nadir ou Thamas Kouli Kan, 1780.

درواقع چیزی نمانده بود که نادر به صورت یکی از افتخارات ملی (فرانسه) درآید، و به راستی نادر در شهرت و مقبولی‌جایی را که تا آن زمان جهانگشای دیگر آسیای تیمورلنگ داشت که در آغاز قرن هیجدهم درباره‌اش گفته بودند «به اندازه قهرمانان اروپائی ما در فرانسه شناخته است»، تصرف کرد.

- سفرای فرانسه در شرق، تأثیر مستقیم و آنی این سفارت‌ها در آفرینش ادبی، و خاصه تأثیر سفرای شرق: مکتوبی آنها، انعکاس آن در روزنامه‌ها، تصنیف‌ها و غیره و از آنجا پیدایش سبک‌ها و رسم‌های ادبی کم‌وبیش ماندگار.

فرانسویان به سفرایی که از آسیا بازمی‌گشتند و البته ناظر بسیاری وقایع در آسیا بودند و می‌توانستند آنچه را به چشم دیده‌اند برای هموطنان بازگو کنند، طبیعتاً توجه بسیار داشتند و شوقمندانه پای صحبتشان می‌نشستند و بی‌گمان نویسندگان ازین گونه محافل سود بسیار می‌بردند.

تردیدی نیست که تأثیر سفرای فرانسوی در تقویت و گسترش علاقه مردم به شرق و شناخت آن بسیار بوده است. اما ثابت کردن این امر همیشه آسان نیست، زیرا این تأثیر غالباً از طریق مکاتبات شخصی و مکالمات خصوصی اعمال شده و به همین علت از تأثیری که کتب و حتی دلنشین‌ترین آنها به‌جا می‌نهند، نافذتر و ماندگارتر بوده است.

از کنت دوسزی (Comte de Gézy) سفیر فرانسه در باب عالی در عصر لویی سیزدهم می‌خواستند ماجراهایی را که مشهور بود با زنان حرم داشته است نقل کند و شاید کنت به نقل این ماجراها رضا داده باشد. به هر حال کنت اوقات فراغت خویش را صرف نوشتن داستان عشقی تراژیکی کرد که خود تقریباً شاهد آن بوده است. این داستان منبع و منشاء داستان کوتاهی است که Segrais پرداخت و بعدها راسین در سرودن Bajazet از آن سود برد. البته آقای دولاهه (de La Haye) نیز که به هنگامی که راسین سرگرم نوشتن تراژدی ترکی خود بود از قسطنطنیه بازگشت، توصیه‌ها و راهنمایی‌های خوبی به شاعر کرد.

تشریفات و آداب ترکی Le Bourgeois Gentilhomme اگر کمک مستقیم و شرافتمندانه شوالیه دارویو (Chevalier d'Arvieux) نبود هرگز به مرحله اجرا در نمی‌آمد. شوالیه برای مولیر طراح لباس و نیز کارگردانی ارزنده بود. این مرد که به شرق بسیار سفر کرده و از عنایت و الطاف لویی چهاردهم و درباریان برخوردار بود، به هنگام ورود سفیر ترك (Soliman Muta Ferraca) در سال ۱۶۶۹ به پاریس نقش مترجمی را به عهده داشت. داستانی دیگر: در سال ۱۷۰۳ ماموازل پتی (Melle Petit) نامی که در خیابان مازارین در گمنامی می‌زیست و حتی اندکی بدنام بود، به دنبال یار خود Fabre نام بازرگان که عهده‌دار انجام دادن مأموریتی بود تا ایران رفت. فابر در راه درگذشت و زن جوان، خود را رئیس هیئت و سفیر خواند و پس از آنکه در ماجراهای عاشقانه مضحک بسیار درگیر شد به اصفهان رسید و هنگامیکه ۴ سال بعد قدم به ماریسی گذاشت، همه‌جا صحبت از او بود. بدینگونه کار این زن بالا گرفت اما دیری نپایید که محکوم شد و به زندان افتاد و در این زمان مردم برای دیدنش سرودست می‌شکستند. پرونده این ماجرای مضحک آنقدر مایه تفریح خاطر Pontchartrain وزیر شد که آنرا در اختیار Lesage گذاشت و به وی مأموریت داد که رمانی براساس این ماجرا بپردازد، اما این کتاب هیچوقت انتشار نیافت.

سفرای شرق (سفرای ترك، ایرانی، سیامی و هندی) خاصه در عصر لویی چهاردهم و از آن پس به ایران آمدند (رضاییک در ۱۷۱۵ به فرانسه رفت) و لازم به گفتن نیست که مردم برای دیدن این سفرا هجوم می‌بردند. این وقایع در ادبیات تأثیری آنی داشت. سلیمان سفیر ترك نزد لویی چهاردهم در سال ۱۶۶۹ باریافت و Le Bourgeois Gentilhomme در ۱۶۷۰ و Bajazet در ۱۶۷۲ پدید آمدند. نامه‌های ایرانی در سال ۱۷۲۱ یعنی همان سالی که محمد افندی به سفارت آمد تألیف یافت. ولتر نمایشنامه محمد را در سال ۱۷۴۲، ۶ ماه پس از ورود سعید محمد پاشا فرستاده سلطان به پاریس به نمایش گذاشت. این موارد تقارن بسیار پر معنی است.

اندك اندك گرایش به آرمانی کردن تژادهای شرقی پدید آمد : چنین بنظر رسید که متانت ، وقار ، پذیرائی با ملاطفت و مهربانی و ظرافت روحی کمترین صفات آنانست و پست‌ترین حمال استانبول چنانکه بزرگترین اشراف و نجای اصفهان یکسان از این ملکات برخوردارند . حسن ادب ، حشمت ، متانت در رفتار و گفتار ، جلال و شکوه خدم و حشم ، نفاست و فاخر بودن جامه‌ها و بذله‌گویی و سخندانی بعضی سفرا اثرات بسیار نیکویی به جا نهاد . روزنامه‌ها از کوچکترین کارها و یا سخنان سفرا مردم را آگاه می‌ساختند ، حتی کتابهای کوچکی دربارهٔ این سفیران شرقی منتشر میشد و حس کنجکاوی مردم را تشقی می‌داد . علاوه بر این تصنیف و ترانه‌هایی به مناسبت ساخته و خوانده شد و نقاشان تصاویر سفرا را کشیدند و جز آن . . . . .

ترجمه و تلخیص از جلال ستاری

